در آداب معاشرت

سعیدی، احمد

انتظار نداشته باشید که همه مردم عاقل و فهمیده باشند باید بدانید آنها چطور فکر میکنند.طرز آفرینش و سرگذشتهای هرکس در زندگی با دیگری فرق دارد باین جهت‏ فکر و سلیقه هر فرد با دیگران کم‏وبیش تفاوت میکند.

بنابرین شما باید افکار و رفتار کسان دیگر را اگرچه بنظر ناصحیح باشد تحمل کنید و پیش خود خیال نکنید آنها باید عاقل و فهمیده باشند و حرف معقول شما را بپذیرند آنها شاید دنیا را طور دیگری می‏بینند و مثل ما فکر نمی‏کنند پش باید اول مردم را شناخت طرز فکرشان را فهمید و بمیل و رغبت و آزرزوهای آنها درست پی برد.یکی از دانشمندان معروف‏ آمریکا میگوید نقطه‏نظر در معاشرت و ارتباط با مردم باید بیشتر شناختن یکدیگر و مبادله‏ احساسات باشد نه معاوضه افکار و عقاید.گفتار و رفتار هرکس احساسات و حالات روحی او را ظاهر میسازد.

هرکس محیط خارج خود را نامنظم و بی‏معنی می‏بیند بنابرین میخواهد مطابق میل‏ و سلیقه‏اش دنیای محدود و صحیح و منظمی برای خود درست کند باین قاعده رفتار آدمیزاد موافق نظریات و افکار مخصوص بخود اوست و برای دنیائیکه بسلیقه خود ساخته یا میخواهد بسازد مقدار زیادی هم غصه و نگرانی دارد زیرا دنیا را مطابق ذوق و افکار خود نمی‏بیند و آه و ناله میکند میل و آرزو دارد که دیگران هم مانند او دنیائی بسازند بهمین جهت افکار و اعمال هرکس از همان نقشه‏ای که برای خود دارد سرچشمه میگیرد و در برابر این‏ قبیل اشخاص گاهی ما بخود میگوئیم:ما نمی‏فهمیم چرا فلان کس اینطور عمل میکند یا اینگونه احساسات دارد علت اینستکه ما نباید از روی دنیائیکه بسلیقه خویش برای خود ساخته‏ایم افکار و رفتار دیگران را قضاوت کنیم و محسنات دنیائیکه ما ساخته‏ایم برای، آنها توضیح دهیم و بآنها بقبولانیم باصطلاح لباسی را که برای خود بریده و دوخته‏ایم بتن‏ آنها کنیم بنابرین اگر بخواهید کسی را خوب بشناسید باید سعی کنید دلیل کاری را که انجام داده درست بفهمید بنابر آنچه باختصار گفته شد در معاشرت با مردم باید اصول و قواعدی را که ذیلا"ذکر میشود در نظر داشت:

1-اگر برای خیر و خوبی کسی چیزی بگوئید و نصیحتی کنید یا از او بخواهید که‏ برای مصلحت و نفع خودش بعضی از روش‏ها و عادات خود را عوض کند بسیاری از این عمل‏ خوششان نمی‏آید بلکه ممکن است از شما برنجند و دلتنگ شوند.

2-چون فهم مردم با یکدیگر متفاوت است بنابرین ممکن است معنی بعضی لغات‏ و عبارات را بد بفهمند و همین امر موجب خشم و غضب و رنجیدگی خاطر آنها بشود.

3-در نتیجه خلقت و تأثیر محیط و سرگذشتهای زندگی افراد بشر با یکدیگر تفاوت‏ دارند بهمین جهت نظر و سلیقه و روحیه آنها با یکدیگر اختلاف دارد.

4-در ارتباط و معاشرت با مردم بجای اظهار عقیده و مباحثه باید بمبادله احساسات‏ و عواطف نظر داشت تا موجب رنجیدگی خاطر نگردد.

5-اگر میخواهید مردم با شما سازش داشته باشند بجای گفتن چیزی بآنها باید از آنها چیزی پرسید و مطابق مقتضیات میل و رغبت و نوع تربیت و سرگذشتهائی که داشته‏اند با آنها حرف بزنید و معاشرت کنید.

6-مردم از هر جهت با یکدیگر تفاوت دارند بنابرین بطوریکه انتظار دارید همیشه معقول و فهمیده بنظر شما نخواهند آمد.

بقیه از صفحهء 38

رسانده‏اند.ولی اگر آن را ساده کنیم و از دست‏اندازهای غیر لازم اجتناب نمائیم اساس‏ مراحل را به شش قسمت میتوان تقسیم کرد.از این قرار:

اول-میل جوینده در طی طریق که عبارت است از شوق و طلب و در این قسمت که‏ فاصل بین دبیرستان و دانشگاه است مفصلا"صحبت کردیم.وصول به این حالت حکم‏ تهیه‏ی زاد راحله‏ی سالک را دارد.

دوم-زدودن موانع و از بین بردن عوایق است.ما این قسمت را نیز در تزکیه‏ی‏ نفس و تمرین‏های مربوط آن بطور مستوفی بحث کردیم.

سوم-نقشه راهی که سالک را از مبدأ به مقصود رساند.

چهارم-حال‏هائی که در این سیر به سالک دست میدهد.

پنجم-حالهائی که بعد از سلوک به صوفی و اصل دست میدهد.

ششم-کارهائی که بعد از وصول صوفی بر آن مقید است و باید مادام العمر به آن ادامه‏ دهد.